

# تک برگی راه کارگر

روزنامه سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سردبیر: آرش کمانگر شماره 182 یکشنبه 23 آذر 1382 --- 14 دسامبر 2003



آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی

دست خود زجان شستم از برای آزادی

16 آذری این چنین سالهاست که ایران به خود ندیده بود: "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "جنبش دانشجویی از اعتصاب کارگران پتروشیمی حمایت می کند"، "جنبش دانشجویی از اعتصاب کارگری حمایت می کند"، "توپ، تانک، بسیجی دیگر اثر ندارد"، "شرکت در انتخابات، خیانت خیانت"، "مرگ بر استبداد"، "مرگ بر دیکتاتوری"، "آزادی اندیشه، همیشه همیشه"، "دانشجوی مبارز راحت ادامه دارد" و شعارهایی که دهها هزار دانشجو در تهران، تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز و دیگر دانشگاههای کشور فریاد زدند، نشان داد که جنبش دانشجویی مسیر تکامل یافته و پیشرو خود را یافته است. دانشجویان ایران با تأکید بر دفاع از حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش، نه فقط مرگ بر دیکتاتوری و استبداد حاکم بر ایران را فریاد زدند، بلکه با شعار "شرکت در انتخابات، خیانت خیانت"، مهر دیگری بر تابوت اصلاح طلبی و اصلاحات در چارچوب نظام حاکم زدند. **بقیه در صفحه 7**

لباس شخصی ها و امیدهای

دو جناح! **بهر روز سورن**

در صفحه 5

**\* توجه \***

به دلیل فرا رسیدن تعطیلات زمستانی، نشریه به مدت دو هفته منتشر نمی شود. پیشاپیش شب یلدا و سال جدید میلادی را به همه تبریک میگوینیم و برای شما آرزوی شادابی و پیروزی میکنیم.

"تک برگی راه کارگر"

شانزده آذر (روز دانشجو) ،

پنجاه سال از آن روز شوم گذشت!

**از شانزده آذر ۲۲ تا شانزده آذر ۸۲**

امیر جواهری لنگرودی

[amir\\_l@hotmail.com](mailto:amir_l@hotmail.com)

یکشنبه ۱۶ آذر ۱۳۸۲ - ۷ دسامبر ۲۰۰۳  
آذر ماه را در ایران، ماه آتش و بیداد نیز میگویند. چرا که وقوع حوادث بیشمار در این ماه از نظر تاریخی و انجام مراسم سالگرد آنها، روزمره کی حوادث را ناحدی تحت الشعاع خود قرار میدهد.

جنبش ملی آذربایجان و وقوع آن در سالهای ۲۴ و ۱۳۲۵ و شکست حکومت یک ساله ملی آذربایجان، جنبش دمکراتیک کردستان به رهبری قاضی محمد ، جایگاه ۱۶ آذر ۱۳۲۲ روز دانشجو، همینطور ۲۶ آذر، روز پیشمرکه حزب دمکرات کردستان ایران، وقوع قتلهای سیاسی موسوم به قتلهای زنجیره ای در آذر ۱۳۷۷ که با آدم ربایی مجید شریف نویسنده، مترجم و فعال سیاسی و قتل نابهنگام وی، کشتار فجیع و ضدانسانی پروانه اسکندری و داریوش فروهر در منزلشان و زان پس قتل محمد مختاری و محمد جعفر پوپنده و رها کردن پیکر آنان در بیابانهای اطراف تهران، ربودن پیروز دوانی و قتل دیگران، سالگرد تصویب کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، ۱۰ دسامبر سالگرد صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر و برخی رویدادهای دیگر در آذر ماه، ما را به عکس العمل مسولانه فرا میخواند!

بقیه در صفحه 2

**بمناسبت پنجاه و هشتمین**

**سالگرد جنبش ۲۱ آذر**

**محمد آزادگر**

جنبش ۲۱ آذر ۱۳۲۴ قیام ملت مظلوم آذربایجان علیه حکومت مرکزی ستمگر تهران بود. این قیام بحق بود. حقانیت آن از آنجاست که خواستها و امیال ملت آذربایجان را بیان میکرد. ۲۱ آذرماه ۱۳۲۴ مجلس ملی آذربایجان تشکیل و پیشه وری به رهبری حکومت ملی انتخاب شد.

بقیه در صفحه 4

ادامه از صفحه یک **شانزده آذر .....****امیر جواهری لنگرودی**

پنجاه سال پیش در چنین روزهایی، رژیم سلطنتی، سرمست از پیروزی کودتای سیاه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یعنی در فاصله محاکمه دکتر مصدق و تجدید رابطه با انگلیس و تقویت برقراری حکومت نظامی و سرکوب آزادی خواهان، تصمیم میگیرد برای فدراتی از اربابان امپریالیست خویش و نمایش نقش کلیدی سازمان های اطلاعاتی آنها در طراحی و موفقیت کودتا علیه دولت دکتر مصدق از ریچارد نیکسون معاون رئیس جمهور وقت آمریکا، پذیرایی گرمی در تهران به عمل آورد و ضمناً آخرین گزارشات مربوط به استقرار مجدد استبداد خاندان پهلوی و سلطنت را به وی ارائه دهد.

میتوان گفت: شاه عزم راسخ خود را برای حاکم نمودن فضای رعب و وحشت در کل جامعه و در مرحله اول سرکوب دانشگاه را در دستورداشت. به همین خاطر صحن دانشگاه را برای جولان دهی خود و مهمان آمریکائیش برگزید. در مقابل چنین خوش خدمتی، دانشجویان مبارز دانشگاه تهران با برپایی یک تظاهرات جسورانه در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در برابر این نمایش سرسپردگی شاهانه ایستادند تا علیه طراحان کودتا شعار دهند و اعتراض نمایند. نیروهای نظامی برای ممانعت از گسترش حرکت و پیوستن مردم به دانشجویان، وارد حریم دانشگاه شدند و معترضین را به رگبار بستند.

در این یورش وحشیانه سه تن از دانشجویان به نامهای مصطفی بزرگ نیا، احمد قندچی و مهدی شریعت رضوی با شلیک گلوله های نیروهای نظامی شاه در راه آزادی جان باختند و دهها تن مجروح، دستگیر و زندانی شدند. از آن تاریخ به بعد هر ساله روز ۱۶ آذر با تداوم شعار اتحاد، مبارزه، پیروزی به نام روز دانشجو گرامی داشته میشود تا این روز را بر آرمان دیرینه اما منکوب شده مردم کشورمان یعنی آزادی و عدالت به تجلی گاه ایستادگی و مقاومت بدل سازند!

از نگاه من، آنچه که گذشته یعنی تاریخ پنجاه سال پیش را با امروز و فردا ها گره میزند: کوشش و تکاپوی قطع ناشدنی است که بازیگران اصلی آن یعنی نیروی گسترده دانشجویان این فرزندان برومند کشورمان در راه تحقق آرمان های انسانی خود و پدران و مادران خویش در راه پیروزی روشنائی بر تاریکی، نیکی بر بدی، آزادی بر اسارت و محبت بر نفرت همواره تا به امروز از خود ابراز داشته اند!

سالهای جور و حاکمیت سیاه ساواک و گارد شاه بر دانشگاههای سراسر کشور در تمام دوره سرکوب پهلوی ها تا به امروز، هیچگاه از پادها زدوده نشده است. ساواک در سرکوب دانشجویان و فوج دستگیریها همواره به محیط دانشجویی چشم داشت تا شکار خود را از میان خیل وسیع دانشجویان مبارز برگزیند و این همواره ادامه داشت.

۲۵ سال پیش در بهمن ۵۷ و در جریان آنروزهای داغ و پر جنب و جوش، دانشگاهها، مامن یاران و آتشکده انقلاب بود. دانشجویان در کنار زحمتکشان حاشیه تولید، کارگران شهری و روستایی، با تحصن، متینگ، به خیابان آمدنهای هر روزه در مناطق مختلف شهری بویژه در پایین شهر، نقش برجسته ای در انقلاب و فرو ریزاندن دیوار ستمگری سلطنت پهلوی از خود بجا گذاشتند.

با سقوط حاکمیت موروثی، گشایش دفاتر فعالیت گروهبندهای مختلف سیاسی در دانشکده های سراسر کشور با بیرون رفتن گارد شاه، فراهم آمد و فعالیت یکایک آنان در زمینه های مختلف تا حدی اثر گذار گردید. همین فعالیت

های آگاهگرانه، هراس و وحشت را در چشم حکومتگران سوار بر اریکه انقلاب ایجاد کرده و آن ها را به تکاپو انداخت. چرا که دانشجویان در عین حال جزء نخستین پیشگامان افشار اجتماعی بودند که تا حد زیادی به ماهیت ارتجاعی رژیم نوپای اسلامی و ظهور فاشیسم مذهبی پی برده و دانشگاه را به سنگری در راستای دفاع از دستاوردها و اهداف آزادیخواهانه و برابری طلبانه زحمتکشان ایران و پاشاندن بذر آگاهی در میان فریب خوردگان، حکومت اسلامی تبدیل کردند.

نباید از یاد برد در هراس از همین نقش روشنگرانه بود که خمینی در اردیبهشت ۱۳۵۹ فرمان حمله به دانشگاهها و سپس تعطیلی کلاسها در سراسر کشور را به نام « انقلاب فرهنگی» که باید آنرا انهدام فرهنگی نامید، صادر کرد و با قوای بی شمار خود به دانشگاهها یورش آوردند. بدین سان شاه و شیخ دانشگاهها را به یکسان به جولانگاه قوای سرکوب خود بدل ساختند. میگویند: چرخ بازیگر از این بازیچه ها بسیار دارد!

در جریان این یورش ضد فرهنگی و نیز در دوران اختناق فاشیستی و به تعطیلی کشاندن دانشگاهها و بویژه شروع عملیات جنگ ایران و عراق و فضای مختنق آفریده شده، خاصه بعد از خرداد ۱۳۶۰ به اینسو، هزاران هزار تن از دانشجویان، استادان متوقی، چپ، مبارز و دگراندیش از کار بیکار گشتند و به شکنجه گاهها فرستاده شدند و از آنان صدها تن اعدام گردیدند و فرار مغرزا به خارج شدت گرفت.

تنها از پس این سلاخی های هولناک بود که رژیم با انجام اقدامات تکمیلی نظیر تصفیه هزاران استاد، هزاران هزار دانشجو، تشدید ضوابط حاکم بر هیاتهای گزینش، استقرار و تحکیم بازوهای اطلاعاتی و اپیدئولوژیک خود در دانشگاهها و با خودی و غیرخودی خواندن دانشجویان و راه انداختن زنجیره انجمن های اسلامی رنگارنگ، بیش از هر موقع، استقلال جنبش دانشجویی را زیر ضرب گرفتند تا دوباره دانشگاهها را تحت کنترل شدید خویش در آورند و به راه اندازند. بدین ترتیب بعد از تصفیه نیروی عظیم انسانی غیرخودی و اقدامات سرکوبگرانه، چند سالی با رکود جنبش دانشجویی روبرو بودیم. اما با توقف جنگ ۸ ساله و سر کشیدن جام زهر توسط خمینی و آغاز به اصطلاح دوران سازندگی و پیشبرد سیاست تعدیل اقتصادی و رویکرد به بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در جهت پاسخگویی به تشدید بحران اقتصادی - سیاسی، جنبش دانشجویی دگرباره فعال گردید.

بطوریکه دو سال بعد از خرداد ۷۶ در تیر ماه ۷۸ کوی دانشگاه تهران به سنگر مقاومت ضد استبدادی تبدیل گردید. پس آنگاه دیگر دانشکده ها و دانشگاههای کشور ( تبریز - شیراز - اصفهان - مشهد - گیلان - اهواز) و سایر نقاط یکی پس از دیگری به صف مبارزه برخاستند. این حرکت در تاریخ جنبش دانشجویی کشورمان بی سابقه بود. حرکت کوی دانشگاه بعد از ۶ روز مقاومت، با سازش همه جناح های حکومتی با دستگیری، تهاجم، سرکوب وحشیانه در نیمه راه متوقف شد و صد ها نفر به زندانها برده شدند.

اما مبارزات دانشجویان و اقدامات سازمانگرانه و آگاهگرانه محافل و تشکل های دانشجویی در اشکال متنوع تر از آنروز تا به امروز تداوم یافت. همین جنب و جوش، داغ رخوت و خاموشی جنبش را برکلیت نظام حاکم بر ایران نهاده است. زیرا که دانشجویان تا به امروز مبارزه خود را تعطیل و رها نکرده اند. اینک که در ۵۰ سالگی روز دانشجو ۱۶ آذر هستیم، نزدیک به ۲ میلیون دانشجو و استاد دانشگاهها به همراه بیست میلیون دانش آموز که فردا و فرداها محیط

## دنباله از صفحه دو

## شانزده آذر.....

دانشگاهها و صندلی ها را اشغال مینمایند به همراه مبارزات آزادیخواهانه مردم سنگر مبارزه را تقویت خواهند کرد. دانشجویان دیگر بار فرصت مجددی بدست میآورند تا از طریق برپایی سیمینار ها، سخنرانی ها، متینگ ها، راه پیمایی ها در بستر اعتلای جنبش کنونی بر اهداف آزادیخواهانه، برابری طلبانه اکثریت مردم ستم دیده و زحمتکش جامعه ما، پای فشارند و کلیت ارتجاع حاکم را به مصاف طلبند!

یادمان نرود جنبش دانشجویی جامعه ما تا به امروز زخم های فراوانی برتن دارد ولی این جنبش بدلیل عدم یکپارچگی و محدودیت خاص طبقاتی اش، تاکنون گرایشهای معینی از آنان همواره با تن دادن به قانون کرابی و برشمردن ظرفیت های قانون اساسی نظام اسلامی ایران، دشواریهای معینی را برای استقلال عمل این جنبش مبارزاتی فراهم ساخته اند.

آنچه امروز بیش از گذشته مهم جلوه مینماید: تحقق شعار آزادی ایران در پرتو تجلی یافتن دگر باره شعار اتحاد، مبارزه، پیروزی جنبش آزادیخواهانه مبارزان کشور است و این تنها بر پایه استقلال این جنبش و گره خوردن مبارزات دانشجویان با دیگر طبقات محروم جامعه قابل تحقق میباشد. نباید از یاد برد، جنبش دانشجویی ایران در شرایطی که اصلاح طلبان حکومتی از مقطع به شکست کشاندن جنبش ۱۸ تیر ۷۸ در کنار قصابان مردم (جناح خامنه ای)، همصدایی به آنان همه نیروی خود را معطوف به حفظ نظام اسلامی به هر قیمتی کرده اند تا عمود خیمه نظام فرو نریزد یک لحظه از تلاش خود برای کشاندن این جنبش به مجرای قانونی کردن حرکات دانشجویان باز نیاستاده اند و این درحالیست که محافظه کاران و آدم خواران نظام همه کوشش سبعانه خود را برای نابودی این جنبش اعتراضی متمرکز کرده اند. در این مسیر دانشجویان می بایست مبارزات و مقاومت همه جانبه خود را با محاسبه هوشیارانه تری و با در نظر گرفتن تناسب قوا و ترکیب اشکال گوناگون اعتراضی بدون هیچگونه توهمی به جناح بندی های حکومتی ادامه دهند!

جنبش دانشجویی با توجه به تجربه مبارزاتی گذشته خود و تکیه روی آن و درس آموزی از اشتباهات پیشین، راهی جز اینکه، روی پای خود بایستد، نداشته و ندارد. باید بشکل پیگیر از مجموعه خواسته های صنفی، رفاهی و مطالبات سیاسی اش عمدتاً و عمدتاً بر پایه استقلال جنبش پای فشارد!

جنبش دانشجویی برای زایش دگر باره شعار اتحاد، مبارزه، پیروزی اگر میخواهد به مبارزه خود با تمامیت نظام ادامه دهد، باید به جای نیرو گرفتن از بالا، به ظرفیت غیرقابل شمارش مقاومت توده ای توجه کرده و به جنبش پائین روی آورد و خود را با مبارزات کارگران و تهدیدستان اعماق پیوند زند.

چنین روی آوری و مقاومت آفرینی روی این نیرو، بر خلاف هشدارهای بظاهر اصلاح طلبان حکومتی و بیرون حکومت که با جانبداری از روش مهندسی تدریجی که بدلیل مخالفت و ترس دگر باره از انقلاب و تحول اجتماعی بظاهر خود را مخالف خشونت و همواره طالب شیوه گذار مسالمت آمیز معرفی میکنند، هیچ راهکار خشونت گرانه ای را با خود به همراه ندارد!

من و ما نیز طالب خونریزی و خشونت کور نیستیم. ولی در این میان پرسش اساسی اینست که: چه کس و کسانی خشونت و قهر را در جامعه اعمال میکنند؟ آیا این اپوزیسیون داخل و خارج کشوراند که طالب بکارگیری خشونت اند یا پوزسیون کارگزار نظام است که خشونت و سرکوب بیشمار را

از روز روی کار آمدن خود تا به امروز بر هر مخالفی روا داشت تا همه را از میدان بدر برد و برای خود حقانیت بتراشد؟

مقاومت و نافرمانی و غیرقابل حکومت کردن شرایط بر حکومت گران نظام اسلامی نه تنها عملی خشونت طلبانه نیست، بلکه تنها راه جلوگیری از خشونت عربان سردمداران رژیم است که تمامی راهکارهای زورمدارانه از دستگیری، آدم ریایی، زندان، شکنجه، اعدام، قصاص، سنگسار، ترور، تهاجم به اجتماعات مخالفین، قمه کشی، زنجیر، چماق و سرکوب را از راه پیاده کردن قوای ایلغار خود و بکار گیری توپ، تانک، مسلسل تماماً ادامه میدهند تا به هرطریق ممکنی این نظام را بر سر پا نگهدارند.

بار دیگر قویا یاد آور میگردد تحقق شعار اتحاد، مبارزه، پیروزی که از ۵۰ سال پیش به اینطرف در آستانه آذر ماه و ۱۶ آذر هر سال روز دانشجو سر داده میشود، در شرایط امروز پراکندگی و تفرقه جنبش اعتراضی و مطالباتی تنها در پیوند با جنبش طبقاتی کارگران، تهدیدستان شهر و روستا، جنبشهای اجتماعی زنان، جوانان، اقلیت های ملی ( بلوچ ها\_ ترکمن ها\_ عرب ها\_ کردها\_ آذری ها) و اقلیت های مذهبی و مبارزات مطالباتی معلمان، پرستاران، پزشکان، استادان دانشگاهها و طرفداران آزادی بی حد و حصر قلم یعنی روشنفکران ترقیخواه ایران میسر می گردد. اتحاد پایدار و پر دوام همه اینان می تواند چون رودخانه خروشان سد وجودی نظام ضد انسانی جمهوری اسلامی ایران را در هم شکنند و جنبش مبارزاتی اعماق را اعتلا بخشند و نظام را غیر قابل حکومت کردن نمایند.

با این امید و به همراه این امید دل آویز و دشمن سبتر یعنی فرو پاشی نظام و تحقق مستقل حاکمیت اکثریتی عظیم به نفع اکثریت عظیم یعنی زحمتکشان و پارهنگان جامعه ۷۰ میلیونی ما، روز دانشجو را به همه شما و خود دانشجویان تریک میگویم و در اینراه در نبرد تا به آخر آنان برای تحقق آزادی، برابری و دموکراسی و وصول نان برای سفره همگان، استمرار مبارزه آزادیخواهانه فعالان دانشجو را شادمانانه آرزو مینمایم!

باشد که در پنجاهمین سال جنایت و بخون غلطیدن سه دانشجوی شجاع (بزرگ نیا\_ قندچی\_رضوی) در آستانه ۲۵امین سال از انقلاب ناکام بهمن ۵۷ به اینسو به تحول اجتماعی در جهت تحقق خواستههای عمومی جامعه ایران پنجامد. باشد که زمستانی سخت جان را بدر کنیم و بهار آزادی را در کوچه، خیابان، کوه ساران و دشت و حیات خانه هامان جشن گیریم.

تحقق چنین آرزویی از شما و ما مدافعین آزادی و حق تعیین سرنوشت یکایک شهروندان جامعه ایران دور مباد، چنین باد!!

آذر ماه ۸۲



ادامه از صفحه یک

بمناسبت سالگرد بیست و یک آذر

محمد آزادگر

بسیار طبیعی است که در درون یک جنبش بسیار گسترده و چند وجهی که تبلور خواسته‌های یک ملت چند ده میلیونی را بیان میکند، تمایلات و گرایش‌های بسیار متفاوت حضور داشته باشد، ولی جهت عمومی جنبش ملی - دمکراتیک ترک‌های ایران حاکم شدن بر سرنوشت خود و برابری واقعی همه ملیت‌های ساکن ایران است.

دستیابی به دمکراسی پایدار و آزادی‌های سیاسی و برخورداری مردم ایران از حقوق شهروندی تنها از کاتال‌حل دمکراتیک مساله ملی در کشور چند ملیتی ایران میگذرد. حق ملیت‌ها در تعیین سرنوشت خود، حتی به قیمت جدائی، یکی از شرایط اساسی دمکراسی در ایران است. البته ما از اتحاد داوطلبانه ملیت‌ها در محدوده جغرافیایی ایران دفاع می‌کنیم و معتقدیم تجزیه و جدائی ملیت‌های ساکن ایران می‌تواند عواقب فاجعه باری برای همه خلق‌های ایران در پی داشته باشد. ولی این به آن معنا نیست که ما از حق تعیین سرنوشت و حق جدائی ملیت‌ها دفاع نکنیم. حق جدائی "ملیت‌ها، یک مفهوم انتزاعی نیست و فقط به "جدائی" این یا آن ملت در یک زمان فرضی مربوط نمی‌شود، بلکه معنای عملی آن به رسمیت شناختن حق تشکیل و فعالیت تبلیغاتی "تجزیه طلبان"، در حال حاضر نیز است.

به رسمیت شناختن "حق ملیت‌ها در تعیین سرنوشت خود و حق جدائی" به حوزه دمکراسی و آزادی‌های سیاسی مربوط می‌شود و مصداق عملی دفاع از آزادی‌های بی قید و شرط سیاسی است. یعنی هیچ گروه و فردی را به اتهام "تجزیه طلبی" نمی‌توان سرکوب کرد. جمهوری اسلامی مانند رژیم شاه پیوسته مساله ملی را امنیتی کرده است تا راحت تر بتواند هم آزادی‌های سیاسی را تحدید کند و هم ملیت‌ها و اقوام غیرفارس را که خواهان حقوق ملی خود هستند، سرکوب کند.

دفاع از حق ملیت‌ها در تعیین سرنوشت خود و حق جدائی، در واقع دفاع از اتحاد داوطلبانه ملیت‌ها است.

جناح‌های درونی و مختلف رژیم جمهوری اسلامی هر کدام سعی میکنند برای تحکیم موقعیت خودشان از حرکت‌های ملل و اقوام از جمله جنبش ملی - دمکراتیک آذربایجان و ترک زبانها استفاده ابزاری کنند. وظیفه فعالان سیاسی و ملی - فرهنگی ترک‌ها و دیگر ملیت‌های تحت ستم است که این تشبث جناح‌های حکومت اسلامی را افشا کنند.

جمهوری اسلامی ایران مانع عمده دستیابی ملل و اقوام ساکن ایران به آزادی، دمکراسی و حقوق ملی و شهروندی است.

برابری واقعی ملیت‌های ساکن ایران تنها در یک جمهوری فدراتیو و با اتکا به قانون اساسی مدرن که برابری کامل حقوق شهروندان را تضمین کند و حق همه ملیت‌های ساکن ایران در تعیین سرنوشت خود و از جمله حق جدائی کامل و تشکیل دولت مستقل و یا خودمختاری هر یک از ملت‌ها که با تمایل آزادانه خود در یک جمهوری فدراتیو متحد میشوند را به رسمیت بشناسد، امکان پذیر است.

\* \* \* \* \*

در بیست و یک آذر ۱۳۲۵ درست یکسال پس از روی کار آمدن حکومت ملی آذربایجان، ارتش سرکوبگر مرکزی وارد شهر تبریز شد و با همدستی ارتجاع محلی (بویژه فنودالها) دهها هزار نفر آذربایجانی به اتهام طرفداری از فرقه دمکرات آذربایجان قتل عام گردیدند و صدها هزار نفر خانه و کاشانه خود را رها کرده و به اقفا نقاط ایران پناه بردند و یا به خارج از کشور مهاجرت کردند. فرقه دمکرات و حکومت ملی آذربایجان بخاطر برنامه مترقی و اقدامات انقلابی به نفع دهقانان، زنان و توده‌ها، حمایت جدی اقشار و طبقات مختلف مردم را به خود جلب کرد.

جوهر برنامه فرقه دمکرات آذربایجان و جهت گیریهای عمده حکومت ملی آذربایجان به رهبری "پیشه وری" هم اکنون نیز خط راهنمای مبارزان جنبش ملی - دمکراتیک آذربایجان می‌تواند باشد. در دوران پهلویها هرگونه سخن گفتن از ابتدایی ترین حقوق انسانی از قبیل آموزش به زبان مادری و یا حتی اشاره غیر مستقیم به ستم ملی در رابطه با ملیت‌های غیرفارس بلافاصله برچسب "تجزیه طلب"، "ستون پنجم شوروی" و "عوامل بیگانه" می‌خورد.

پس از انقلاب ۱۳۵۷، جمهوری اسلامی با سرکوب سیستماتیک ملل و اقوام ساکن ایران و تحقیر و از بین بردن هویت ملی و همگون سازی اجباری، عملاً سیاست رژیم شاهنشاهی را علیه ملیت‌های غیرفارس با رنگ و لعاب مذهبی ادامه داده و هرگونه اشاره به مساله ملی و یا ستم ملی در ایران را به "توطئه امپریالیسم" و "یا" "توطئه کشورهای همسایه همزیان و هم کیش" خلق‌های هم مرز نسبت داده است.

با گسترش هویت یابی ملل و اقوام ساکن ایران در بعد از انقلاب ۱۳۵۷ و بویژه پس از جنگ ۸ساله ایران و عراق، شکاف و رودررویی جمهوری اسلامی و ملیت‌های غیرفارس زبان ابعاد گسترده‌ای یافته و مساله ملی در ایران را به یکی از اساسی ترین گره‌های جامعه تبدیل کرده است.

در سالهای اخیر جنبش ملی - دمکراتیک ترک‌های ایران دامنه وسیعی یافته و تجمع‌های چند صد هزار نفری در قلعه بابک بمناسبت سالگرد تولد بابک خرم‌دین و انتشار دهها نشریه دوزبانه (فارسی - ترکی) محلی و دانشجویی و راه افتادن سایتهای اینترنتی متنوع و متعدد مخصوص ترک زبانها، نمونه‌ای است بر این مدعا.

رژیم جمهوری اسلامی و ایادی و وابستگان آن که دشمنان قسم خورده ملیت‌های غیرفارس هستند، جنبش ملی - دمکراتیک و برابری طلب ترک‌های ایران را به "پان ترکیسم" و "تجزیه طلب" نسبت میدهند. با این نوع ترندها و برچسب زدن‌ها نمیتوان درمقابل پیش روی جنبش‌های آزادیخواهانه و دمکراتیک ملل و اقوام ساکن ایران مانع ایجاد کرد.

حکومتی و روحانیت در تضادی آشتی ناپذیر قرار دارد و به تبع آن دانشجویان تا کنون از بزرگترین قربانیان آنان بوده اند. روزنامه نگاران، کتابفروشان، نویسندگان و خلاصه هر آنکه با فرهنگ و اندیشه سروکار دارد نیز از اهداف مشخص و سری شده این گروهها هستند.

کتاب فروشان دستفروش اطراف دانشگاههای ایران، مدت زمانی کوتاه پس از حذف شاه دیکتاتور و سانسورچی مخلوع، چنانچه جان سالم بدر برده باشند، هنوز حملات شبه فاشیستی این باندهای موجب بگیر دولتی را بخاطر دارند.

هجوم همزمان در دسته های پنج تا ده نفره و گاهای بیشتر با انواع و اقسام سلاح های سرد و گرم به بساط ها، ضرب و جرح وحشیانه و جمعی کتاب فروشان توسط چماقهای اکیند، زنجیر، پنجه بکس، چاقو، قمه، سوزاندن و پاره کردن کتاب ها و نشریات منتقد و مخالف حاکمان وقت و... تماما نمایانگر چهره واقعی اما مستتر فقهای حاکم بود. این نمایشی از سیمای حقیقی روحانیت حاکم، بنابر شرایط وقت، مقتضیات زمانه و ناتوانی های لحظه ای آنان به طور غیر رسمی بود که از طریق شاخک های اجرایی موسوم به وابستگان حزب الله در صحنه اعمال می شد.

لباس شخصی ها غالبا مکمل ضربتی \ اطلاعاتی نیروهای انتظامی (سرکوب) رژیم بوده اند و حتی اغلب در کنار این نیروهای رسمی در اتوبوس، مینی بوس و ماشین های انتظامی می نشینند. گاهای از پرسنل رسمی سپاه، شهربانی و دیگر نهادهای دولتی با لباس شخصی در صحنه ها حضور دارند و حتی در بسیاری از موارد هجوم هم زمان و سازماندهی شده با ارگانهای رسمی به دانشجویان سازمان داده اند و بدین ترتیب نهادهای دولتی را از پیگرد رسمی و قانونی احتمالی! بدر میبرند. بر خلاف نظر برخی از اصلاح طلبان که تلاش می کنند عملیات خشونت آمیز این دسته ها را خودسرانه اعلام کنند، بنابر وابستگی اغلب آنان به نهادهای رسمی انتظامی، این گروهها با برنامه و سازماندهی از پیش (فتوی شده) در صحنه ها حضور دارند. اعترافات برخی از رهبران این باندها پس از جدایی از آنان دال بر این است که مغزهای متفکر و هادی لباس شخصی ها در بالاترین مناصب حکومتی قرار دارند. بنابر این انتظار دستگیری و محاکمه این عناصر از جانب رژیم می که در آن متولد شده و فرزند آن می باشند، انتظاری غیر واقعی است. همانطور که تا کنون تمامی دستگیر شدگان در دادگاههای! رژیم تیرنه شده اند و همانطور که پرونده قتل های زنجیره ای هنوز پس از پنج سال باز مانده است و وکیل جسور و پیگیران آقای ناصر زرافشان در زندان بسر میبرند.

در گذشته های دور به قدمت 24/23 سال پیش کاتالیزور تهییجی و مهیا کننده پذیرش و اعمال خشونت آنان انمه جمعه و نماز جمعه ها بودند که اغلب تهاجمات وحشیانه آنان، پس از پایان مراسم آن انجام می شد و این وحشی ها تحت نام نیروهای خودجوش مردمی دست به هر جنایتی می زدند و به سمت ستادهای نیروهای چپ و دمکرات، خوابگاه های دانشجویی و مراکز انتشاراتی برای سرکوب و منکوب کردن دگراندیشان و دگرخواهان براه می افتادند.

از وظایف دیگر این دستجات عکس برداری، فیلم برداری و شناسایی افرادی است که در تجمعات دگراندیشان حضور دارند. اینها کانونهایی بظاهر ناشناخته هستند که ابزار اعمال قدرت و نیات شوم اهل ولایت در خارج از حوزه قوانین رسمی جمهوری اسلامی بوده و عمل میکنند. درنظر دانشجویان، جوانان و سایر جنبش های اعتراضی مردم، مبارزه و مقاومت در برابر لباس شخصی ها عین برخورد با حکام تلقی می شود، زیرا که در هر گام مبارزاتی خود ایشان را در برابر خود می بینند. مشت

بقیه در صفحه 6

## لباس شخصی ها و امیدهای دو جناح

### بهروز سورن

Sooren001@yahoo.de

"می گفتند به ما فحش بدهید تا ما بتوانیم در مجلس پنجم نماینده بفرستیم"  
"مثلا آقای کرباسچی و خاتم فائزه هاشمی با ما هماهنگی کردند که ما می رویم در مسجد نازی آباد سخنرانی می کنیم، شما بیاید آنجا ما را بزنید.....به هر حال به ما پول میدادند تا بر علیه شان تبلیغ کنیم"  
از اعترافات امیر فرشاد ابراهیمی عضو سابق شورای رهبری انصار حزب الله

با گرمتر شدن بازار انتخابات برای انتخابات مجلس هفتم، دستجات اجیر شده حکومتی تحت عناوین گروه های فشار، انصار، لباس شخصی ها پس از مدتی از مخفیگاه های خود خارج شده اند و مسئولیتی مهم! را بر دوش می کشند. این باندهای وابسته به روحانیت حاکم در پی آن هستند تا همانند دوره های پیشین با بحران سازی، ایجاد هیجانات سیاسی و برانگیختن احساسات مردم، بازار سرد و بی رمق انتخابات مجلس هفتم را گرم کنند.

امکانات مالی بودجه عمومی کشور، خزانه تسلیحاتی و پشتیبانی پرسنلی سپاه و نهادهای اطلاعاتی، روابط عمومی و رسانه ای حاکمیت، کیهان آقای شریعتمداری و..... در خدمت این دستجات قرار دارند. در واقع این باندها تا پیش از پیدایش جنبش اصلاح طلبی یکی از بازوهای وحشی و سرکوب نیمه رسمی حاکمیت علیه تمامی نیروهای بودند که از دمکراسی و عدالت اجتماعی سخن می گفتند. اعمال خشونت، قتل و غارت و تجاوز مضمون فعالیت این گروه ها را تشکیل می داد. این باندهای سازماندهی شده از جانب مسولین طراز اول جمهوری اسلامی به مقتضی زمان و الزامات سیاسی روز، پیدا و نهان میشدند و یکی از بازوهای اجرایی تمایلات فاشیستی حکام وقت بودند. تا قبل از ظهور اصلاح طلبان در عرصه سیاسی کشورمان کمتر سخنی از اعمال وحشیانه ایشان و قربانیان بی دفاع این تحریکات گفته می شد و جز زبان تایید رسانه های ارتباطی تصرف شده از جانب رژیم کلامی نمی رفت.

ایجاد رعب، وحشت و سرکوب منتقدین همیشه از وظایف عمده و اصلی این گروهها بوده است و ترکیب اصلی این باندهای مزدور را شورورترین و بی رحم ترین عناصر جامعه تشکیل داده است.

ابزار انتخابی و محبوب این افراد نیز متناسب با شغل پولساز! و تاشریف آنان و نیات پلید جمهوری اسلامی است.

چماق، پنجه بکس، زنجیر، چاقو، قمه، باتوم، میله های آهنی، اسپری بیهوش کننده و.... مدرنترین! آنان به کلت کمری و یوزی مسلح می باشند. ضرب و شتم، قتل خیابانی، ربودن و قتل شریفترین افراد جامعه، برهم زدن سخنرانی ها و تجمعات منتقدین و دگراندیشان از وظایف مهم آنان است. این گروه ها و رهبرانشان در حکومت، خطرناکترین و آشتی ناپذیرترین دشمنان خود را دانشجویان میدانند. علاقه به علم و دانش، جوانی، گرایش به اتحاد و دفاع از منافع صنفی و عمومی، ظرفیت های بالا برای پیوند با جنبش عمومی جاری و..... از خصایلی هستند که با منافع این اجیرشدگان و مسولین هادی آنان در رده های بالای



ادامه از صفحه

## لباس شخصی ها .....

## رژیم اسلامی با اعدام به استقبال

## روز جهانی حقوق بشر آمد

در آستانه روز جهانی حقوق بشر و در حالیکه فعاً لین دفاع از حقوق انسانی و سازمانها و نهادهای مترقی و بشر دوست جهانی خواهان لغو مجازات اعدام در همه کشورها هستند و امیدوارند که دیگر دولت ها و کشورها، این جنایت سازمانیافته دولتی را از مجازاتهای قانونی کنار گذارند؛ رژیم اسلامی ایران، دو تن از اعضای حزب دمکرات کردستان ایران را به جوخه های مرگ سپرده است.

حزب دمکرات کردستان ایران، در این رابطه در اطلاعیه ای اعلام کرده است که رامین شریفی، عضو این حزب پس از 5 ماه اسارت و جلیل زیوه ای، پس از 9 سال زندان و شکنجه به جوخه مرگ سپرده شده اند. به این ترتیب ماشین آدم کشی و جنایت سازمانیافته در حکومت اسلامی ایران، پیام مرگ را به تمام جهان مخابره کرده است.

پیام مرگ و اعدام و جنایت، این بار به روشنی و صراحت طرح شده است. در زمانی که شیرین عبادی، جایزه صلح نوبل سال 2003 را دریافت می کند. جایزه ای که بخاطر تلاشهای او برای دفاع از حقوق زنان و کودکان و دفاع از قربانیان قتلهای زنجیره ای به او داده شده است. رژیم اسلامی بدینگونه جواب یاهه سرانتهای اصلاح طلبانه را داده است.

## خانم ها، آقایان! جمهوری اسلامی اصلاح ناپذیر است.

رژیم اسلامی ایران، با این اعدامهای تازه و دستگیری فعالین جنبش های اجتماعی خصوصاً فعالین جنبش دانشجویی نشان داده است که جز با زبان مرگ، اعدام- شکنجه و قصاص با مخالفین خود سخن نمی گوید. رژیم اسلامی جز از طریق سلولهای انفرادی: توبیخ های "توبین" و توبه های تلویزیونی، جز از طریق اعلام آشکار مخالفت با حقوق بشر و لغو حقوق دمکراتیک انسانی، جز از طریق تشویق و تبلیغ خشونت و فریب و مذهب حکومتی، جز از طریق کشتن آشکار مخالفان در زندان و خیابان و میدانهای عمومی در تمام این سالها حکومت نکرده است. اعدام جلیل زیوه ای پس از 9 سال اسارت، نمونه ای از کشتارهای سال 67 است که هزاران زندانی سیاسی به همین شیوه به جوخه های مرگ سپرده شدند.

سازمان کارگران انقلابی ایران- راه کارگر، ضمن تسلیت به خانواده های داغدار جلیل زیوه ای و رامین شریفی و حزب دمکرات کردستان ایران و مردم کردستان، این جنایت سازمانیافته حکومتی را بشدت محکوم می کند و از تمام سازمانها و گروههای مدافع حقوق بشر می خواهد که این رژیم جنایتکار را محکوم کرده و مردم ایران را در مبارزه برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی، برای لغو مجازات اعدام و برای در هم شکستن و به زیر کشیدن این رژیم وحشی و آدم خوار یاری کنند. بی شک مدافعین واقعی حقوق انسانی، مردم ایران را در این مبارزه برای جهانی انسانی و رها از خشونت و مرگ و استبداد تنها نخواهند گذاشت.

سازمان کارگران انقلابی ایران- راه کارگر

9 دسامبر 2003

گره کرده در برابر لباس شخصیها، مشتکی است بر دهان رژیمی که جز قتل، غارت، اسارت، کشتار جمعی، فقر و نابودی ارمغانی برای مردم شریف کشورمان ببار نیاورده است.

برای اینکه لباس شخصی ها و مشاغل رسمی انتظامی آنها از جانب مردم شناسایی نشود، اغلب این افراد به نقاط مختلف صادر! می شوند. از اصفهان به تهران و از تهران به نطنز، از کردستان به یزد و از دامغان به مهاباد و اینچنین کاروان سیاهی و جهل سازمان یافته و در اقصی نقاط کشورمان حضور میابند.

در جریان تظاهرات دانشجویی سه تن از این افراد توسط دانشجویان دستگیر می شوند. یکی از آنان دارای کارت رسمی سپاه و دو نفر دیگر نیز از حفاظت سپاه پاسداران بوده اند که هر سه در لباس شخصی و در حین ضرب و جرح دانشجویان دستگیر میشوند.

در تبریز پرسنل رسمی شهربانی در لباس شخصی به ضرب و شتم و شکنجه دگراندیشان، در یزد و قم عمامه از سر گرفته و چماق بدست ظاهر می شوند و لباس شخصی نام میگیرند.

این ابزارها، جزو بدنام ترین نهادها و تشکل های موجود در ایران می باشند، بطوری که حمله این وحوش به هر مجمع و محیط سیاسی بطور خود بخودی اعتبار دهنده آن جمع در نظر شاهد و ناظر آن وحشیگری میباشد.

یکی از رموز موفقیت اصلاح طلبان دولتی در پاره ای از انتخابات گذشته کسب مشروعیت نسبی و واکنشی در برابر هجوم این گروه های فشار به مراکز تبلیغاتی آنان بوده است. همین مطلب امروزه از بزرگترین امید های این طیف در انتخابات مجلس هفتم میباشد.\*

بنظر آقای آرمین این دستجات فاشیستی برای ایجاد سردی و برقرار کردن فضای یاس و نومیدی یا به صحنه گذاشته اند. آقای آرمین فراموش کرده اند که در طی یکی دو ماه گذشته کمتر اصلاح طلبی به گرم بودن فضای انتخاباتی معتقد بوده است و تمامی متفکرین این جناح این فضا را سرد و نومید کننده دانسته و شکست انتخابات را از پیش نوید داده اند. بنابر این بر خلاف نظر ایشان حضور مجدد باندهای هدایت شده برای آماده نمودن تهییجی این فضا و بیرون آوردن مردم از بی تفاوتی است. تکیه بر افشار هنوز متوهم و ناآگاه برای انتخاب میان بد و بدتر حیلۀ جدیدی است برای انحراف افکار عمومی و کسب مشروعیت نسبی در نظرگاه افکار عمومی بین المللی.

\* جمعه 14 آذر 1382 مراسم سخنرانی میردامادی بهم میخورد و گفته می شود که ایشان نیز مجروح شده اند.

تاج زاده میگوید مردم با خویشتن داری یا ریختن آرای مناسب به صندوق های رای به فاشیسم جواب بدهند. تاکید از من

\*\*\*\*\*

ادامه از صفحه یک

## آرمان که بنهادم .....



رضوی

قندچی

بزرگ نیا

آنان در عین حال با برافراشتن پلاکارد سرخ زنده باد آزادی و برابری و دفاع از جنبش اعتصابی و حق طلبانه کارگران ایران، نشان دادند که جنبش دانشجویی در مسیر تغییرات رادیکال اجتماعی در ایران ماست.

اگر پارسال تنها در دانشگاه تبریز، مسئله پیوند با جنبش کارگری مطرح بود: امسال دانشجویان ایران، که نه تنها بخاطر پیوند اجتماعی شان با طبقه کارگر و مزد بگیر، بلکه بخاطر تعرض لجام گسیخته حکومت سرمایه و مذهب، از طریق خصوصی سازی دانشگاهها، خوابگاهها و بسیاری از مراکز علمی و اجتماعی کشور، خود را در پیوند با جنبش کارگری و مزد بگیران ایران می بینند، در بسیاری از دانشگاهها بر این پیوند پا فشردند.

علیرغم محدودیت های بسیار برای برگزاری مراسم 16 آذر، علیرغم آنکه بسیاری از فعالین دانشجویی در زندان هستند و علیرغم حضور گسترده نیروهای انتظامی و بستن درب دانشگاهها، هزاران نفر در دانشگاهها و اطراف آن حضور یافته و با برگزاری سالگرد 16 آذر در تهران، تبریز، شیراز، اصفهان، سبزوار، مشهد و دیگر شهرها، مطالبات بر حق مردم ایران را فریاد زدند. از ادامه مبارزه نیم قرنه دانشجویان گفتند. از 16 آذر 32، از انقلاب فرهنگی، از 18 تیر، از قتلهای زنجیره ای و از غارت و چپاول کشور توسط دستگاه حکومتی سخن گفتند و از پافشاری بر خواست دیرین برای آزادی و برابری و از تصمیم دانشجویان با شعار "آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی، دست خود زجان شستم از برای آزادی"

به این ترتیب 16 آذر، گرمای داشته شد، 16 آذری که امروز و هر روز تکرار می شود.

سازمان کارگران انقلابی ایران- راه کارگر

8 دسامبر 2003

## رادیو برابری

رادیو برابری هر شب ساعت هشت و نیم بوقت ایران (شش عصر بوقت اروپای غربی) بر روی ماهواره با مشخصات زیر برنامه پخش می کند:

Satellite: Hotbird 13 East  
 Freq.12597 GHz  
 Transponder: 94  
 Symbol Rate :27500  
 Fec:3/4  
 CHannel :GBTS Feed ½  
 Right side of dual audio channel

شما میتوانید برنامه های هر روز را بصورت ضبط شده از طریق شبکه جهانی اینترنت، در آدرس زیر نیز گوش دهید:

[www.radiobarabari.net](http://www.radiobarabari.net)

## با ما ارتباط بگیرید

سر دبیر تک برگی ..... [arash@funtrivia.com](mailto:arash@funtrivia.com)

روابط عمومی سازمان ..... [public@rahekargar.net](mailto:public@rahekargar.net)

تلفن عمومی سازمان ..... 0049 -40 -6777819

شماره فاکس سازمان ..... 00 33-1-43455804

آدرس سایت راه کارگر ..... [www.rahekargar.net](http://www.rahekargar.net)

آدرس سایت اتحاد چپ کارگری... [www.etehadchap.com](http://www.etehadchap.com)

آدرس سایت رادیو برابری..... [www.radiobarabari.net](http://www.radiobarabari.net)

آدرس صندوق پستی سازمان.

BP 195 75563Paris cedex 12 France

## قطعنامه راهپیمایی ده دسامبر در اسلو (نروژ)

روز جهانی حقوق بشر امسال مصادف گردیده با اعطای جایزه صلح نوبل به خانم شیرین عبادی و فرصتی است مغتنم برای طرح نقض حقوق بشر در ایران.

همانطور که همگان می دانند، رژیم جمهوری اسلامی در حیات 24 ساله خود، بارها و بارها بخاطر نقض حقوق بشر توسط مجامع بین المللی محکوم گردیده است و در آخرین قطعنامه پیشنهادی کانادا به سازمان ملل، برای چندمین بار محکوم گردیده است.

حکومت اسلامی به عنوان یک رژیم ایدئولوژیک از بدو تاسیس خود بنا به ماهیت آن، بی اعتنایی خود را به قوانین حقوق بشر اعلام داشته و با طرح شعار جعلی حقوق بشر اسلامی به تصبیح حقوق مردم ایران پرداخته است و با برپایی ماشین سرکوب و ترور، حاکمیت سیاه خود را برپا ساخته است.

و متعاقب آن اکنون:

ایران به بزرگترین زندان روزنامه نگاران و دانشجویان تبدیل شده است، زنان در زندانی به وسعت ایران به بند کشیده شده اند و از ابتدایی ترین حقوق خود یعنی حق پوشش، کار، تحصیل..... محروم شده اند، زندانهای ایران مملو از جوانان معترضی است که به جرم، طلب آزادی بیان به بند کشیده شده اند، حقوق اقلیت‌های ملی و مذهبی شدیداً سرکوب شده است و آوارگی خلق کرد نمونه بارز آن می باشد، اعدام و شکنجه به رسمیت شناخته شده است و حتی شورای نگهبان طرح نیم بند رد شکنجه خودیها توسط مجلس اسلامی را رد کرده است، دستگاه ترور و شکنجه در داخل و خارج به شکار مخالفین می پردازد و کشتارهای سالهای 60 و 67 و قتل‌های زنجیره ای فروهرها مختاری و پوینده..... در داخل و ترور قاسملو، شرفکندی، کشاورز، بختیار..... در خارج نمونه هائی از آن هستند، با پیاده کردن طرح‌های نئولیبرالی در عرصه اقتصاد و با خصوصی سازیهای گسترده، و با پدیده ای بنام آقازاده ها اقتصاد ایران را به نابودی کشانده اند و هر روز توده عظیمی از زحمتکشان را به زیر خط فقر رانده اند. و بی دلیل نیست که شاهد معضلاتی همچون کودکان خیابانی، بردگان سکس، و دریای عظیم معتادین باشیم.

کمیته صلح نوبل خانم شیرین عبادی را به خاطر دفاع ایشان از حقوق کودکان و زنان ایران منتخب خود شناخته است. طبیعی خواهد بود که حمایت مجامع ایرانی از این انتخاب کمیته صلح نوبل، به میزان همسویی و هم نوابی خانم عبادی با جنبش اعتراضی مردم ایران مورد ارزیابی قرار می گیرد. دوری یا نزدیکی از خواسته های مردم ایران که تشنه آزادی، دموکراسی و برابری هستند میتواند از خانم عبادی چهره ماندگار در اذهان توده ها بسازد و یا او را به فراموش خانه تاریخ بسپارند. اما متأسفانه پاره ای از مواضع اخیر ایشان با جنبش دموکراتیک رو به گسترش مردم ایران همخوانی ندارد.

طبیعی است که پیش شرط استقرار هرگونه حکومتی دموکراتیک و سکولار در ایران، برچیده شدن بساط رژیم جمهوری اسلامی است. ما حمایت خود را از مبارزات مردم ایران جهت بجالش کشیدن

جمهوری اسلامی و تحقق خواسته های دموکراتیک خود اعلام می داریم.

در همین رابطه ما از تمامی مجامع بین المللی، احزاب و سازمانهای دولتی و غیر دولتی می خواهیم که با تحت فشار قرار دادن رژیم جمهوری اسلامی بدون هرگونه دخالتی که منجر به نقض حاکمیت مردم ایران شود در جهت تحقق خواسته های زیر تلاش نمایند.

- 1- جدایی دین از دولت
- 2- آزادی کلیه زندانیان سیاسی در ایران و تامین آزادی بی قید و شرط بیان عقیده و تجمع.
- 3- رفع هر گونه ستم جنسی و لغو قوانین ارتجاعی بر علیه زنان.
- 4- تامین حقوق اقلیت‌های ملی و مذهبی.
- 5- لغو اعدام و شکنجه و تشکیل یک دادگاه بین المللی برای رسیدگی به جنایات سران حکومت اسلامی بخصوص در جنایات سالهای 60 و 67 و قتل‌های سیاسی زنجیره ای در ایران.
- 6- لغو سیاست‌های نئولیبرالی اقتصادی و تامین حداقل نیازهای یک زندگی شرافتمندانه برای تمام مزد بگیران.

### زنده باد آزادی، برابری و دموکراسی در ایران

کمیته 10 دسامبر (اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران) متشکل از:

- \* کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی- واحد نروژ متشکل از:
  - حزب دموکرات کردستان ایران
  - سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
  - سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
- \* سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کو مه له)
- \* جنبش همبستگی برای آزادی و دموکراسی در ایران (نروژ)
- \* کانون نویسندگان ایران در تبعید - واحد نروژ
- \* حزب توده ایران
- \* جمعی از منفردین سیاسی
- \* اتحادیه زنان حزب دموکرات کردستان ایران
- \* اتحادیه جوانان حزب دموکرات کردستان ایران
- \* سازمان جوانان کو مه له
- \* نشریه آوی زن
- رادیو همصدا

اسلو 10 دسامبر 2003



